تفاوت طبیعت شخصیتی قرآن و طبیعت شخصیتی شعر انشاء شده توسط مخلوق

حال سؤال من در اینجا این است: فرق طبیعت شخصیتی که کلام خالق است، با طبیعت شخصیتی که مثل قصیده مخلوق است، چیست؟ بزنگاه بحث در طبیعت شخص پیشین است. یعنی اول باری که سعدی این قصیده را میخواند شخص بود و این قصیده را آورد. این اولین بار در مقصود ما بسیار مهم است. تمام ذهن شریفتان را روی این متمرکز کنید. من میخواهم این را عرض کنم: سعدی اول باری که این قصیده را میگوید گویا تمام وجود سعدی، تمام اندوختههای او یک جا مداخله میکند؛ باید جمع شود و این قصیده شود. یعنی حتی روز اولی که سعدی نزد مال نشست و مال به او گفت بگو الف، همان روز اول هم دخالت کرده تا بتواند این قصیده را بگوید. بی جا نگفته، فکرش را کنید و ببینید. یعنی سعدی بی خودی نمیتواند یک قصیده بگوید. درست است که یک شخص پیشین ایجاد کرده اما یک شخصی نیست که همینطور ورقلمبیده باشد و از کتم عدم وربیاید. پشتوانهاش مبادیای است که سر از بی نهایت در میآورد؛ حتی برای شخص سعدی. آنها دست به دست هم دادهاند تا این را ایجاد کرده است.

خب حال فرق بین کلام خالق و مخلوق؛ اگر سعدی میخواهد یک جمله بگوید باید تمام اندوختههای او دست به دست هم بدهند تا یک قصیده بگوید، وقتی خدای متعال یک کلامی را میفرمایی یعنی پشتوانه این کلام او خدائی خدا است. یعنی یک شخص است که دارد ظهور میکند؛ اول ظهورش هم در این عالم؛ ما فعلاً به عالم غیب کار نداریم؛ شخص پیشینی که سوره مبارکه توحید را میآورد اول دفعه ای است که دو لب مبارک پیامبر خدا صلیاللهعلیهوآله باز میشود و شروع به خواندن میکنند؛ بسم الله الرحمان الرحیم قل هو الله احد...؛ اول دفعه ای که حضرت این را میخوانند یک شخص است که از لبان مبارک حضرت بیرون میآید، اما شخص پیشین است. یعنی شخصی است که بعد از خواندن ایشان سوره مبارکه توحید بهعنوان یک هویت شخصیتی بین امت میآید. همه آن را میخوانند و در مصاحف مینویسند. بعداً دوباره خود حضرت تلاوت میکنند. این اول شخص-که پسین است و بهدنبال آن شخصیت میآید- وقتی میآید چه چیزی دست به دست هم داده تا در اینجا ظهور کند؟ باید ببینیم چه کسی این را آورده است. خدای متعال؛ سخن خدا است. یعنی تمام خدائیت خدا پشتوانه آن است. خدا این را فرموده. پس هر چه قدرت و علم خدای متعال است اگر پشتوانه این قرار بگیرد مشکلی ندارد.

شاگرد:...

استاد: شاید در سال نود و نود و یک، روی همین فرمایش شما بحث کردیم. مفصل بحث کردیم. آقا زحمت کشیدند و مقاله بلند بالایی کردند. ببینید شما میگویید خدا باید قصد کرده باشد. ما مفصل بحث کردیم که قصد کرده ای نکرده؟ قصد کردنش و نکردنش وجوه و محتملاتی است. خواستید مراجعه کنید. مقاله مفصلی شده با پاورقی های مفصل. این قابل صحبت است.

آن چه که میخواهم عرض بکنم فعلاً این است: پس تفاوت هویت شخصیتی سوره مبارکه توحید با قصیده سعدی و حافظ در چیست؟ در تفاوت بین خدای متعال با حافظ است. تفاوت بین خالق و مخلوق است. کجا جلوه میکند؟ در هویت شخصی پیشین که اول دفعه میآید خودش را نشان میدهد. چرا؟ چون این هویت شخصی است که میخواهد بعداً هویت شخصیتی را بین همه بیاورد. کف نزول و کف جایی است که آیه نازل شده.

حال سؤال من این است: مقصود من این جمله بود: اگر کلام از خدای متعال است، حال میگویید «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ[1]»، وقتی سعدی یک قصیده را میگوید معنایی از این قصیده منظورش نبوده؟ بوده. اطلاع بر وضع الفاظ و معانی داشته ای نداشته؟ داشته. زبان فارسی را بهخوبی بلد بوده ای نبوده؟ بلد بوده. مقاصد متعددی در این داشته؟ داشته. پس همینطور از چیزها باید در مبادی کلام خدای متعال در نظر بگیریم. یعنی خدای متعال که الآن یک شخص کلام را به پیامبرش وحی کرده، مقاصدی داشته. معانیی داشته، خزائنی طی شده. «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ». آن خزائن ما به التفاوت قصیدهای است که سعدی بهعنوان یک مخلوق ضعیف میگوید، با کلامی که خدای آگاه بر آن خزائن، آن را به قَدَر میآورد تا ظاهرش کند. بنابراین اگر نزول قرآن بر «سبعة احرف» باشد، سبعة احرف دارد چه کار میکند؟ هویت شخصیتهای را به ظهور میآورد به نحو سبعة احرف. بعض نکات دیگر در ذیل این مطلب هست، ان شاللهه فردا.

---

[1] الحجر ۲۱

بازبینی #2
ایجاد شده 14 آوریل 2024 13:39:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 مه 2024 16:56:48 توسط ... .